

حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

سه‌شنبه ۹ عقرب ۱۳۶۳
Oct. 30, 1984.
سال پنجم شماره ۴۹
شماره مسلسل ۹۶۲
سال تاسیس ۱۳۵۹

سند کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

دربارهٔ بیستمین سالگرد ح.د.خ.ا.



از تاسیس حزب دموکراتیک خلق افغانستان که نخستین کنگرهٔ آن بتاریخ یازدهم جدی سال ۱۳۴۳ دایر گردید، بیست سال میگذرد.

ظهور ح.د.خ.ا. در صحنهٔ سیاسی افغانستان بدان معنی بود که مبارزهٔ نیروهای مترقی و وطنپرست کشور به خاطر نیل به آرمان های ملی و دموکراتیک، بخاطر تحکیم استقلال، دموکراسی و آزادی ملی و اجتماعی، بخاطر ترقی اجتماعی و اقتصادی و به خاطر آیندهٔ بهتر، به مبارزه انقلابی، فعال و هدفمند مبدل گردیده و در وجود ح.د.خ.ا. (حزب طبقهٔ کارگر و تمام زحمتکشان افغانستان) رهبری واقعی سیاسی را در کشور کسب کرد. ح.د.خ.ا. در راه درست و راستین انقلابی که منتج به پیروزی میگردید، گام نهاد. پیروزی انقلاب ثور به رهبری ح.د.خ.ا. حقانیت این ادعای عظیم تاریخی ملی را باثبات رسانید.

اکنون ح.د.خ.ا. با مبدل گردیدن به حزب حاکم همه مساعی را انجام میدهد تا انقلاب ثور که تحت رهبری آن به پیروزی رسیده است، به طور بلا انحراف و پیشرونده مرشد نماید. حزب در عمل سعی مینماید تا زندگی خلق مارا بهبود بخشد و حرکت آن را بسوی آیندهٔ تابناک وایجاد جامعهٔ عادلانهٔ نوین برگشت ناپذیر سازد. درست ح.د.خ.ا. و تنها این حزب قادر است تا این انقلاب آزادیبخش را رهبری نموده وبه پیروزی برساند.

ح.د.خ.ا. بمثابهٔ حزب طراز نوین طبقهٔ کارگر و کلیه زحمتکشان کشور، پیشاهنگ انقلابی سیاسی همه نیروهای ملی، دموکراتیک، وطنپرست و ترقیخواه کشور ما، تجسم زندهٔ ارادهٔ خلل ناپذیر بهترین فرزندان وطن بخاطر به پیروزی رساندن نهایی اهداف والای انقلاب ثور است.

تاسیس ح.د.خ.ا. نتیجهٔ قانونمند تکامل اجتماعی ـ سیاسی جامعهٔ افغانی میباشد. در جریان مبارزهٔ طولانی و قهرمانانهٔ خلق افغانستان علیه استعمار و امپریالیزم، بخاطر آزادی، استقلال و حاکمیت ملی کشور، جدوجهد مبارزان آزادیخواه در جهت رفع عقب ماندگی کشور وسوق دادن آن در راه ترقی همه جانبه رشد و تحکیم یافت. تحولات جهانی تاریخی که به برکت پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر در روسیه، در جهان بوقوع پیوست، به این امر کمک رسانید و شرایط مساعدی را برای مبارزهٔ نیروهای واقعی انقلابی در کشور های عقب مانده و تحت ستم بوجود آورده و آنان را به پیروزی امیدوار ومطمئن ساخت. توفان مبارزه نیروهای ملی و دموکراتیک آسیا رابه جنبش در آورده، لحظهٔ فرارسید که خلق های افغانستان به اوج جنبش آزادی بخش ملی رسیده واستقلال سیاسی افغانستان اعلام گردید.

بعد از استقلال کشور، ده ها سال طول کشید که مبارزهٔ طولانی وسرسختانهٔ انقلابیون افغانستان زمینهٔ مساعدی رابوجود آورد. در حدود سی و شش سال قبل در افغانستان محافل سیاسی ملی و دموکراتیک، وطنپرست و ترقیخواه در میان روشنفکران ومحصلان پا به عرصهٔ وجود گذاشتند که خواستهای مبنی بر رفورمهای اساسی اقتصادی و اجتماعی، تامین حقوق و آزادی های دموکراتیک و اصول حکومت مشروطه و قانونیت، برابری و عدالت اجتماعی و مقابله با سیاست خودمنشانهٔ اعیان و اشراف فیودالی، استبداد سلطنتی وانحصارات خارجی و تعقیب سیاست بیطرفی فعال و دوستی با اتحاد شوروی و ضدیت باسیاست نو استعماری انگلیس و امریکارا به پیش کشیدند. مرحله به مرحله جنبش دموکراتیک پدید آمد. درمیان رهبران و شرکت کنندگان این جنبش جوانان پر شور انقلابی پیدا شدند که از سوسیالیزم علمی الهام میگیرفتند و باآن آشنایی نسبی داشته و به صورت کلی درک مینمودند که چرخش افغانستان از حالت ارتجاعی و عقب ماندگی بسوی ترقی و پیشرفت تنها از طریق نهضت انقلابی امکان پذیر است.

در جو نهضت انقلابی ایجاد شده، گرایش و تلاش محافل پراگندهٔ مترقی بسوی وحدت آرمانی ـ ایدیولوژیکی، سیاسی و سازمانی، مبارزهٔ مشترک بخاطر تامین آزادی، دموکراسی، ترقی و عدالت اجتماعی و تاسیس حزب واحد واقعی انقلابی گسترش می یافت. این آرمان و مبارزه بشکل محفلی و مخفی سالها طول کشید تا بسر انجام بنابر شرایط بالنسبه مساعد درسال ۱۳۴۳ تحقق پذیرفت.

تلاش و مبارزهٔ محافل مترقی وچپ بسوی وحدت در اولین کنگرهٔ ح.د.خ.ا. تحقق یافت. کنگره به مساله اساسی تاریخ وزندگی پاسخ ارائه نمود. این کنگره ح.د.خ.ا. را تأسیس کرد. در کنگرهٔ موسس اصول کلی مرامی وسازمانی تصویب گردید و کمیتهٔ مرکزی حزب (هفت تن عضو اصلی وچهارتن عضو علی البدل) انتخاب شد. پلینوم اول کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ.ا. بدون انتخاب بیروی سیاسی تنها دوتن را به حیث منشی انتخاب کرد. نور محمد تره‌کی بحیث منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی وببرک کارمل به حیث منشی کمیتهٔ مرکزی انتخاب شد که امروز بحیث منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. نیز حزب پر افتخار مارا بطور اصولی و خردمندانه رهبری مینماید.

ح.د.خ.ا. ازهمان هنگام تأسیس، خود را بمثابهٔ حزب اندیشه و عمل انقلابی متبارز ساخت. این حزب در میان کلیه عناصر و گروهبندی های سیاسی یگانه حزبی بود که درک نمود که در این مرحلهٔ تاریخی تنها انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی و ضد امپریالیستی میتواند دورنمای عملی امحای قدرت فیودالی بیروکراتیک و تأمین پیشرفت واقعی اجتماعی و ملی را در برابر کشور بگشاید. ح.د.خ.ا. ضرورت وناگزیری استقرار حاکمیت خلق رامتکی بر اتحاد کارگران، دهقانان، کلیه زحمتکشان، همهٔ نیروهای ملی ووطنپرست بشمول بورژوازی ملی و طنپرست پیشبینی نمود که اکنون جبههٔ ملی پدروطن مظهر این اتحاد را تشکیل میدهد. حزب برنامهٔ دگرگونی های وسیع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی را به طور کل فورمولبندی نموده و توانست تاکتیک تلفیق اشکال و شیوه های مبارزهٔ علنی وغیر علنی، قانونی، پارلمانی وغیر پارلمانی، مسالمت آمیز و غیر مسالمت آمیز فعالیت را عملی نماید. حزب در مجموع از موضع فردا عمل کرد و توانست فرا رسیدن آنرا نزدیک سازد و به حق مسوولیت حال و آینده را در برابر خلق ووطن بدوش گیرد.

در تاریخ حزب ما جراید «خلق» و«پرچم» به حیث ارگان های مرکزی حزب نقش اساسی را در امر اشاعهٔ اندیشه های مترقی ایفاء نموده‌اند. جریدهٔ خلق چون رهنما، اولین بار به پخش علنی اندیشه های پیشرو عصر ماپرداخت. جریدهٔ پرچم درطول دوسال بانشرات در حدود صد شماره نقش بزرگی رادر عرصهٔ پرورش نسل بالنده و برومند انقلابیون آگاه وطن ما، پخش ایدیولوژی طبقهٔ کارگر، کارسیاسی وسازمانی و ارتقای شعور طبقاتی وسیاسی اقشار ملی ـ دموکراتیک، وطنپرست و ترقیخواه کشور وافشای نظام استبدادی ارتجاعی طبقات حاکم فیودالی سلطنتی، بیروکراتیک و کمپرادوری و استعمار وامپریالیزم ایفاء نمود.

حزب موفقیت های بیشتری بدست می آورد اگر انشعابات در صفوف آن جا نمیداشت. این انشعابات کارایی فعالیت حزب را ضعیف ساخته، فضای درونی حزبی را متشنج نموده، اعتماد متقابل میان اعضای حزب و توانایی عمل مشترک آنان را تخریب کرد.

عقب ماندگی عمومی مناسبات اجتماعی، اقتصادی در کشور، عدم رشد آگاهی سیاسی و طبقاتی، سطح پایین آموزش تیوری انقلابی اکثریت اعضای حزب توأم باکمبود آگاهی از تجارب احزاب و جنبش های ملی و مترقی، کارگری ودموکراتیک وبرخورد خلاق باآن در شرایط مشخص جامعهٔ ما، ضعف شناخت کامل و درست جامعهٔ افغانی، خصوصیات وسطح رشد شعور طبقاتی و سیاسی و ترکیب طبقاتی و ملی کشور و علم درک درست از تاکتیک و استراتیژی طبقهٔ کارگر در مراحل رشد و تکامل پروسهٔ انقلاب و انترناسیونالیزم پرولتری باعث ظهور گرایش های انحرافی، قومی، قبیلوی، ملی، سمتی، ناسیونالیستی، گروهی، تمایلات اپورتونیستی راست وچپ، پسیمیزم، ماجراجویی، کیش شخصیت پرستی، عدول از اصول مرامی، سازمانی و سیاسی ودیگر خصایل ناشی از عقب ماندگی جامعه وخصوصیات فیودالی و ماقبل فیودالی (قبیلوی) گردید. ضعف وحدت حزبی و انشعابات نه تنها توانایی حزب را تضعیف کرد بلکه موقتاً نهضت ملی و دموکراتیک رابه کجروی کشانیده و موجودیت حزب رانیز مورد تهدید قرار داد. بخصوص در این زمینه نقش خاینانه وانشعابگرانهٔ حفیظ الله امین وگروهی که از ایالات متحدهٔ امریکا برای تفتین ووحدت شکنی وایجاد انحرافات وارد شده بود، تحریک کننده بود.

معهذا اعضای حزب خلاقانه می‌توانستند اختلافات رابر اساس اصول مرکزیت دموکراتیک و باشیوهٔ جمعی و انتقاد اصولی از خود، مبتکرانه حل کنند و از انشعابات جلوگیری نمایند. زیرا حزب دموکراتیک خلق افغانستان ایدیولوژی واحد و مشترک برای همه، مرامنامه واساسنامهٔ مشترک داشت. دشمن مشترک یعنی قدرت ارتجاع فیودالی، نظام سلطنتی و بیروکراتیک وامپریالیزم و هدف مشترک یعنی سرنگونی این نیروها و تأمین ترقی وشگوفانی خلق ووطن ازطریق به پیروزی رساندن انقلاب ملی و دموکراتیک برای نیل به هدف غایی یعنی ایجاد جامعهٔ عادلانه نوین که درآن استثمار فرد از فرد محو گردد وجود داشت.

اما در حالت انشعاب نیز حزب چه از طریق فرکسیون پارلمانی خود و چه خارج از پارلمان مبارزهٔ قهرمانانهٔ خودرا ادامه داد. ازسال ۱۳۴۳ الی ۱۳۵۲ حزب بیشتر از ۲۰۰۰ میتنگ و مظاهرات کارگران، زحمتکشان، روشنفکران، محصلان وشهریان را سازمان داده ورهبری نمود، فعالیت وسیع تبلیغاتی را دربین اهالی و کار مخفی را در اردو براه انداخت وزمینه‌های سقوط سلطنت را تدارک دید ودر سقوط نظام سلطنتی نقش اساسی را ایفاء کرد.

در ماه سرطان ۱۳۵۶ هر دوجناح حزب دموکراتیک خلق افغانستان دوباره وحدت نمود ه وبه خاطر تصرف قدرت، کار مشترک را در جهت تدارک یورش فیصله کن به رژیم فیودالی ـ بیروکراتیک آغاز نمودند. وحدت، حزب را به مراتب نیرومند ساخت ونضج گیری عامل ذهنی انقلاب راتسریع نمود. ناپایداری و عدم توانایی رژیم داود در زمینهٔ حل مسایلی که در برابرکشور قرار داشت آشکار گردیده و زنگ خطر سقوط کشور بدامان ارتجاع سیاه دکتاتوری نظامی فردی وامپریالیزم بصدا در آمده بود. نیروی دیگری در ذخیره گاه استثمارگران وجود نداشت. زمان آن فرا رسید که سیر تاریخ افغانستان از ریشه تغییر یابد. این مساله با انقلاب ثور سال ۱۳۵۷ که تحت رهبری ح.د.خ.ا. به پیروزی رسید حل و فصل گردید.

جنبش انقلابی افغانستان، رهبر سیاسی دیگر نداشت. در ست ح.د.خ.ا، یگانه وارث ارادهٔ تاریخی ومبارزات وطنپرستان واقعی افغانستان به خاطر خوشبختی خلق وایجاد افغانستان مترقی و نوین بود که تنها تحت رهبری استوار، پیگیر و هدفمند آن، این مبارزه به پیروزی کامل رسیده میتوانست.

انقلاب ثور چرخش بنیادی در تاریخ افغانستان است

ح.د.خ.ا. در رابطه با به پیروزی رسانیدن انقلاب ۷ ثور ۱۳۵۷ وگذار انقلابی به مرحلهٔ نوین آن در ۶ جدی ۱۳۵۸، بر درک علمی ماهیت، خصوصیات و دورنما های پروسهٔ انقلابی در افغانستان اتکاء داشت.

این امر که انقلاب ثور نتیجهٔ قانونمند مبارزات طولانی توده های زحمتکش افغانستان به خاطر رهایی واقعی از ستم چندین قرنهٔ استثمارگران و زنجیر استبداد و عقب ماندگی میباشد، دارای اهمیت اساسی است. این انقلاب، انقلاب ملی ـ دموکراتیک است و خصلت ضد فیودالی و ضد امپریالیستی دارد. انقلاب ثور پاسخی است به نارضایتی تاریخی و فزاینده در برابر سیاست خود منشانه و ارتجاعی رژیم های ضد مردمی، ازجانب وسیعترین نیرو های اجتماعی.

انقلاب ما اهداف عام دموکراتیک را در برابر خویش قرار داده‌است: محو کلیه بقایای فیودالیزم وماقبل آن، طرد نفوذ ودسایس امپریالیزم، پیشبرد اصلاحات دموکراتیک ارضی و آب و توزیع عادلانهٔ زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین، رشد اقتصاد ملی، ارتقای سطح زندگی مردم، رشد واقعی فرهنگ‌های ملی خلقهای افغانستان با ماهیت مترقی و نوین، دموکراتیزه ساختن حیات اجتماعی و سیاسی، تعقیب سیاست خارجی صلحجویانه. همچنان انقلاب ما خصوصیات ملی خلقهای افغانستان، احساسات مذهبی، رسوم و عنعنات ملیت‌ها و اقوام ساکن کشور را در نظر میگیرد.

هدف انقلاب، حزب و حاکمیت انقلابی حل مسایل حیاتی پیشرفت ملی به نفع همگان در عمل میباشد: امحای نابرابری واقعی ملی ایکه از گذشته به میراث مانده است، ایجاد شرایط برای نزدیکی هر چه بیشتر اقوام، ملیت ها و قبایل بر اساس برادری و برابری حقوق آنان، ترقی و پیشرفت اقتصادی ومعنوی و اشتراک همگانی در امر ساختمان افغانستان نوین، شگوفان، مترقی، نیرومند و مستقل.

تحقق تدریجی این اهداف نجیبانه مجموع جوانب زندگی کشور ما را که طی مدت‌های طولانی از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یکی از عقب مانده ترین کشور هادرجهان بوده است از بنیاد تغییر داده و دگرگون میسازد. توفان انقلاب ما فیودالان، سرداران آل یحیی، سود خواران و قشر فوقانی بیروکراتیک و خود فروخته و مرتجعین و مستبدین محلی را که طی قرون متمادی بر مردم ماستم روا داشته و به قیمت خون و عرق جبین آنها حیات بسر میبردند، سرنگون ساخته و ازمیان بر داشت. زمین و آب به طور پیوسته و انحراف ناپذیر در اختیار دهقانان گذاشته میشود. قوانین جدید انقلابی در ج.د.ا. حقوق دموکراتیک اتباع را تضمین وبیانگر منافع بنیادی زحمتکشان اند. حزب و حکومت ج.د.ا. با تشویق وحمایت از رشد اتحادیه‌ های صنفی، کوپراتیف ها و سایر سازمان های وسیع اجتماعی برای نخستین بار درتاریخ کشور، امکانات عملی شرکت زحمتکشان رادراداره‌ٔ دولت وامور اجتماعی مساعد میسازد. همه تدابیر و اقدامات ممکن در جهت افزایش معاشات وبهبود تأمینات، در گام نخست برای اقشار بی بضاعت روی دست گرفته شده، مساجد احیاء واعمار میگردند، حزب و حکومت همه امکانات را بکار می بندند تا زندگی مردم را عملا بهبود بخشند وبدین گونه ماهیت مثبت و خلاق انقلاب ثور را عیان ساخته واهداف و آرمان های عالی آنرا تحقق بخشند.

انقلاب ثور رشد موزونی نداشته‌است. مضاف بر بار سنگین مسایلی که از گذشته به میراث‌مانده بود، پروسهٔ دموکراتیزه ساختن حیات اجتماعی و بر خورد نسبت به حل یک سلسله مسایل مهم اجتماعی ـ سیاسی از قبیل ملی وقومی، مذهبی و عنعنوی، اقتصادی وفرهنگی با اشتباهات، لغزش‌ها، انحرافات ووحدت شکنی های جدی همراه بود. در نتیجه، اکثروظایفی را که ح.د.خ.ا. مدنظر داشت، اجرا ناشده باقیماند وتحولات آغاز شده به سود خلق به کندی مواجه گردید. مسوولیت عمده این امر بدوش حفیظ الله امین وباندوی، این خاینین به حزب، خلق ووطن میباشد که ضد انقلاب داخلی و خارجی از آن بنابر ماهیت خود سوء استفاده نمودند.

حزب بادستان نیرومند خود، ذهنی گرایی، انحراف، ماجراجویی شخصیت پرستی، شیوهٔ ترور، تخلف از قانونیت دموکراتیک انقلابی را ریشه کن ساخت وتلاش در جهت فراجهیدن از مراحل ضروری انقلاب ملی ـ دموکراتیک رابطور قاطعانه طرد نمود. همزمان باآن ح.د.خ.ا. اندیشهٔ خویش رادر مورد وحدت کلیه نیرو های دموکراتیک ووطن پرست کشور ما، تحت درفش انقلاب، در عمل پیاده کرد و ساز مانده ایجاد جبههٔ ملی پدروطن در افغانستان گردید.

حزب، جهش از مراحل انقلاب ودوری از واقعیت را مجاز نمیداند، اما در عین حال در نظر نداردهیچگونه عقب روی و توقف را در رابطه با دگرگونی های انقلابی افغانستان تحمل نماید. پروسهٔ تحولات در نتیجه پاک شدن از اشتباهات ذهنی گرایانه و ناپختگی سیاسی،

(ص۲)

سند کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

دربارهٔ بیستمین سالگرد ح.د.خ.ا.

(بقیه صفحهٔ اول)

تحرک جدید و نیرومندی کسب کرده و در راهیکه خلق آنرا انتخاب نموده است، به پیشاهنگی و رهبری ح.د.خ.ا. به پیش میرود.

انقلاب ما از همان آوان پیروزی خود، در نتیجه مقاومت سرسختانه وفزایندهٔ امپریالیزم بین المللی ومتحدین آن، که مداخلهٔ گسترده و سازمان یافتهٔ مسلحانه رادرامور وطن ما آغاز نهادند، با آزمون جدی روبرو گردید. این نیروها، بنابر اهداف ناپاک خود افراد مطرود از جملهٔ نمایندگان قشر فوقانی استثمارگران، مستبدین و مرتجعین را که انقلاب ما آنها راسرنگون ساخته بود، مورداستفاده قرار دادند.

در نتیجهٔ اعمال تروریستی ضدانقلابیون و باندیتیزم، وضع نظامی ـ سیاسی در برخی از مناطق کشور متشنج باقیمانده است. اهالی رنج میبرند، خونها ریخته میشود وزیان مادی افزایش می یابد. مردم باید بدانند که: اگر امروز بامشکلات و محرومیت ها مواجه‌اند، مقصر تنها ضد انقلاب داخلی وخارجی است.

مبارزهٔ قاطعانه علیه ضد انقلاب ودست یابی به ظفر در برابر آن، شرط حتمی پیروزی اهداف وآرمان‌های نجیبانهٔ انقلاب ثور و وظیفهٔ مقدس هر وطنپرست واقعی کشورمیباشد.

تحکیم وگسترش پایه‌های اجتماعی انقلاب، پیوندارگانیک حزب بامردم وظیفهٔ مبرم وعمدهٔ ح.د.خ.ا.است

حزب واقعاً انقلابی، از طریق پیوند گسست ناپذیر خود باتوده ها وجلب اعتماد و پشتیبانی آنان نیرومند است. انقلاب بیانگر اراده و منافع توده هاست و آنهارا به سازنده و مدافع زندگی نوین مبدل می سازد. ح.د.خ.ا. همیشه‌درین جهت سعی بخرچ داده و می دهد.

در حال حاضر، تقویت کارحزبی در بین توده ها، جلب آنان بسوی حزب وقدرت انقلابی، تامین اشتراک آنها در امر رشد انقلاب ودفاع از آن، اهمیت حیاتی دارد.

این امر حتمیست، زیرا تنها بااشتراک توده های وسیع زحمتکشان میتوان دگرگونی هایی را که بازتاب دهندهٔ منافع حیاتی آنان است وقبل از همه، اصلاحات دموکراتیک ارضی و آب را در مجموع تحقق بخشید. هنگام حل مسالهٔ زمین وآب، هر قریه باید امکانات و حق ابراز نظر را داشته باشد. حزب وحاکمیت مردمی کلیه شرایط را ایجاد نموده اند تا چنین مسایل به‌نفع دهقانان و بدون تشریفات اضافی انجام پذیرد. جلب دهقانان‌در امر توزیع عادلانهٔ زمین و آب، وظیفه حیاتی و مبرم ارگان های‌حزبی و دولتی چه در مرکز و چه در محلات میباشد. حل سایر مسایلی که سطح زندگی زحمتکشان با آنها بستگی دارد، از قبیل احیاء و اعمار سرک ها، پلها، موسسات صنعتی و زراعتی، مکاتب، شفاخانه ها، منازل مسکونی مساجد و غیره، با اشتراک وسیع ومستقیم آنان، از اهمیت بسزایی بر خوردار است.

تنها تحقق سیاست اقتصادی‌ایکه از جانب حزب مطرح گردیده میتواند زندگی مردم را بهبودبخشد. حزب و حکومت تدابیر و اقدامات جدی ایرا در جهت‌رشداقتصادی کشور رویدست گرفته اند. پروژه های جدید اعمار میگردد. تا مینات برای اهالی سازمان داده میشود، موسسات‌صنعتی و ترانسپورتی در مقایسه باگذشته، باثبات بیشتر فعالیت‌مینمایند. در سال جاری حجم مجموعی محصولات ملی‌از سطح قبل از انقلاب یعنی سال ۱۳۵۷متجاوز است. در آینده نیزهمه امکانات لازم بکار بسته خواهد شد تا فعالیت موسسات صنعتی، بخصوص صنایع نساجی و مواد خوراکه، ترانسپورت، انرژی ومخابرات به صورت بهتر تنظیم گردد. نقش کمك های بی شائبه‌وبلاعوض اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و سایر کشور های‌سوسیالیستی‌در همهٔ این امور وسیعاً ارزشمند است.

حزب با بانگ رسا اعلام میدارد: زحمتکشان و توده های وسیع مردم برای نخستین بار درتاریخ‌وطن امکانات عملی سهمگیری در حل امور دولتی و اجتماعی رابدست آورده اند و کار عظیمی در زمینه انجام یافته است. سیستم سازمان‌های وسیع اجتماعی که در جبههٔ‌ملی پدروطن متحد گردیده اند. ایجادشده است. صفوف آن‌هاگسترش یافته. نقش شان در جامعه‌ودولت‌بطور بلا انحراف افزایش می یابد. حزب و حاکمیت انقلابی پیوسته‌سعی‌می ورزند تاحیات اجتماعی را دموکراتیزه ساخته. اداره را درقراء و قصبات وسایر مناطق مسکونی از طرف خود مردم انجام‌دهند. تا ازین طریق حل مسایل محلی را باشرکت وسیع و مستقیم‌اهالی سهل ساخته و تسریع بخشند. باشندگان اکثر قراءجرگه ها دایر نموده. قریه داران را خود انتخاب مینمایند. حزب وقدرت انقلابی از این تجربه به صورت قاطع حمایت میکنند و درآینده نیز آنرا رشد و تکامل خواهند بخشید. تصویب «قانون‌ارگان های محلی قدرت دولتی و ادارهٔ ج.د.ا.» از جانب شورای‌انقلابی ج.د.ا. درست روی همین منظور صورت پذیرفته است.

قدرت انقلابی ج.د.ا. درتاریخ‌وطن ما، نخستین قدرتیست که‌می خواهد برابری واقعی و عملی را درزمینهٔ رشد مادی و معنوی کلیه قبایل، اقوام و ملیت های‌افغانستان تأمین نماید. ج.د.ا. همچنان امکانات مساوی رابخاطر اشتراك در امور اجتماعی ودولتی و دفاع‌از وطن مشترك وواحد ما ن‌برای تمام هموطنان ما میسرنموده وتضمین مینماید.

حزب و قدرت انقلابی. این‌سیاست را نه در حرف، بلکه در عمل پیاده میکند. حکومت ج.د.ا.پیوسته به همه ملیت ها، اقوام و قبایل مساعدت های مادی ممکنه رامیرساند. به محلات بودو باش‌آنها، قطار های ترانسپورتی را با موادخوراکه، البسه و ادویه‌میفرستد. نمایندگان ملیت ها، اقوام وقبایل‌در ترکیب ارگان های حزبی‌و دولتی ورهبری سازمان های اجتماعی‌شامل میکردند. خصوصیات و عنعنات تاریخی زندگی آنها مورداحترام قرار می گیرد و بیشتر از هروقت دیگر رعایت میشود و زبان‌وفرهنگ آنان رشد می یابد.

حزب و حکومت مساعی جدی‌به‌خرچ میدهند تا تماس های مثمر با اشخاص صاحب اعتبار و اعتمادومو سفیدان ملیت ها، اقوام و قبایل کشور رشد و توسعه یابد. در مناسبات بین رهبری ح.د.خ.ا. ورجل بر جستهٔ و طنپرست ملیت‌ها، اقوام و قبایل مساله یی وجود ندارد که نتوان آنرا به سود متقابل، از طریق جرگه ها، تبادل افکار بلا مانع و صمیمانه و دریافت راه‌حل عادلانه ودموکراتیک، فیصله کرد. درینجا ما مشاهده مینماییم‌که حزب و حاکمیت انقلابی‌در جهت وحدت واقعی نیرو های وطنپرست‌وهمکاری به سود همه و بسود امنیت وصلح‌پایداروطنی‌که‌برای همه‌امری‌ضروریست، سعی میورزند.

سیاست مبتنی بر احترام‌ورعایت‌احساسات و اعتقادات مذهبی مردم که از جانب حکومت ج.د.ا.به‌پیش برده میشود، به صورت واضح وانکار ناپذیر بیانگر این‌سعی و تلاش میباشد. هر فرد زحمتکش و هر مسلمان و طنپرست‌باید بداند که حزب و حاکمیت‌مردمی نه در گفتار بلکه در عمل، درین‌جهت گام میگذاردتا رسوم، عنعنات و مناسك مذهبی، آنچنانکه‌لازم است، حفظ، رعایت و اجراء گردد. تعداد مساجدی که طی‌شش سال انقلاب ترمیم و اعمار گردیده اند، بیشتر از مساجدیست‌که طی پنجاه سال حکمروایی خاندان نادر ـ ظاهر و دورهٔ داودساخته شده بود. اما ضد انقلاب که تحت شعار دفاع از اسلام‌به میدان آمده، ۲۵٤ مسجدواماکن مقدسه را تخریب نموده است! این فعالیت رذیلانه ضد انقلاب‌به جز از نفرت و انزجار مسلمانان‌وطن پرست چه عکس العملی را بر خواهد انگیخت؟

یکپارچگی هر چه بیشتر زحمتکشان و مسلمانان وطنپرست بدور حزب و قدرت مردمی فرمان‌زندگیست. زیرا ضد انقلاب چیزی جز توهین به مقدسات مذهبی، ویرانی و مرگ به ارمغان نمی‌آورد.

این امر اهمیت خاص دارد که‌توده های وسیع، حقیقت‌در بارهٔ سیاست حزب و قدرت انقلابی رابفهمند وآن را درك و احساس کنند. باید مساعی همهٔ حزب و هرعضو آن متوجه این امر گردد.

رهبر سیاسی مطمئن برای خلق، امری حتمی وضروریست. ح.د.خ.ا. چنین رهبری میباشد. لازم‌وضروری‌است که مردم دارای قدرتی باشند که منافع آنان را بیان کندواز آن دفاع نماید. حزب ما نیروی محرکهٔ انقلابی و ضامن عدم انحراف‌آن از راه درست است. از همین جهت است که مردم به حزب نیازدارند و پشتیبانی مردم برای حزب لازمیست.

ما امروز بار دیگر خطاب به‌اعضای اصلی و آزمایشی ح.د.خ.ا. می گوییم:

ـبه مردم نزدیك باشید!

ـدر اعماق توده ها فعالیت‌کنید!

ـهمیشه و همه جاباتوده هاباشید!

ـ حقیقت‌دربارهٔ اهداف وسیاست‌حزب مارابه آنها توضیح نمایید!

ـ سعی ورزید تا زحمتکشان وهمهٔ وطنپرستان وطن ضرورت کمك به حزب ودولت را در امر افشاء ومحو دشمنان انقلاب درك نمایند!

ـبگذار هر سازمان حزبی به‌مرکز جاذبهٔ زحمتکشان و به مرکز کار روز مره، دایمی و دقیق‌باآنهامبدل گردد.

وطن پرستان کشور!

ـبدور حزب و حکومت انقلابی‌متحد شوید! در امر حل وظایف انقلاب ثور و دفاع از آن سهم‌بگیرید!

دفاع از انقلاب وتحکیم قدرت دولتی

حزب دموکراتیك خلق‌افغانستان‌عملا بدون خونریزی به قدرت رسید. صرف چند ساعت در کار بود تا رژیم داود سرنگون گردد. سرور و شادمانی باشندگان کابل، سایر ولایات، شهر ها و قراء بوضوح بیانگر آن بود که کشورمابه خاطر زندگی بهتری که‌ازمدت هاقبل سزاوار آن بود، به انقلاب‌ثور چشم امید داشت.

انقلاب پیروزمند در همان نخستین روز های پس از پیروزی، دربارهٔ رهایی از رژیم ظالم‌فیودالان‌وبیروکراتها، دموکراسی برای مردم، زمین و آب، الغای قروض‌وربح سود خواران وسیطره فیودالی، با مردم سخن گفت. آنچه را که مردم انتظار داشتند وقدرت نوین انقلابی برای آنهاآماده‌نمود و تدارك دید در «خطوط اساسی و ظایف انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان» این اولین سند برنامه یی انقلاب پیروزمندثور که توسط رفیق ببرك کارمل نوشته وتدوین‌شده واز جانب رفیق‌نورمحمد تره‌کی منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی و بیروی‌سیاسی کمیته‌مرکزی‌ح.د.خ.ا. مورد تایید قرار گرفت، منعکس گردید. بعداً حزب دموکراتیك خلق افغانستان دیدگاه‌منسجم وکامل خودرا در زمینهٔ رشد انقلاب‌ملی ـ دموکراتیك در کشور ماطرح وتدوین نمود که در کنفرانس سراسری حزب درسال ۱۳٦۰به‌تصویب رسیده و در «برنامه عمل‌ح.د.خ.ا.»، مصوبات پلینوم های کمیتهٔ مرکزی و بیانیه هاوسخنرانی‌های رفیق ببرك کارمل بازتاب یافت. هدف عمده ایکه فعالیت‌حزب‌و قدرت انقلابی را تعیین می کند، عبارت از ساختمان جامعهٔ‌نوین است که آزادی واقعی و خوشبختی و شگوفایی زندگی‌مردم‌رابه ارمغان می آورد.

امپریالیزم و در رأس محافل‌حاکمه ایالات متحدهٔ امریکا تهدید جدی رابرای انقلاب مابوجودآوردوارتجاع منطقه در مبارزهٔ‌مسلحانه علیه افغانستان نوین در خدمت‌آنان قرار گرفت. صد ها هزار هموطنان ما که در هنگام پیروزی‌انقلاب، بنابر قانون شکنی و بی تفاوتی نسبت به سرنوشت آنان‌در رژیمهای استثماری گذشته افغانستان، گرسنگی و بیکاری دروطن، در قلمرو های خارج از وطن بسر میبردند، بسوی نقشه‌های شیطانی‌ودد منشانهٔ امپریالیزم وارتجاع منطقه کشانیده شدند. بنابر مداخلهٔ خارجی، باند های مسلح از جمله استثمارگران واجیران خارجی که بوسیلهٔ انقلاب سرنگون گردیده بودند، به‌افغانستان صادر گردیدند. بدین ترتیب «جنگ اعلام ناشده» علیه‌وطن، انقلاب‌ومردم ما آغاز یافت‌و بهمین گونه ضرورت دفاع ازوطن، انقلاب‌و مردم بمیان آمد.

در اوضاع و احوال ایجاد شده، حزب و قدرت انقلابی وظیفهٔ مقدس خویش میداند که به دشمنان‌انقلاب در هر کجایی که عمل میکنند، پاسخ دندان شکن‌بدهد. درست روی همین منظور قوای مسلح شجاع‌ما طوریکه لازم است‌تقویت میگردد. حزب وحکومت در آینده‌نیز تربیت رزمجویانه وسایل‌تأمین مادی‌وتخنیکی‌قوای‌مسلح ج.د.ا. را در مرکز توجه خویش‌قرار داده و به خاطر وارد آوردن ضربات قاطع بر ضد انقلاب مسلح، تا محو کامل آن، همه تصامیم لازم را اتخاذ خواهد نمود. کار باصفوف قوای مسلح را باید بصورت بنیادی بهبود بخشید. آنها بایدهرچه فشرده تر با ارگان های حزبی و دولتی در محلات، با دفاع‌خودی محل و با مردمی که آنان‌به پاسداری شان می پردازند، درپیوند باشند.

زندگی صلح‌آمیز شهر ها و قریه‌ها، بهبود شرایط کار و زیست مردم، همه در وهلهٔ اول به‌قابلیت‌سرکوب باند های جنایتکار ضد انقلابی و اجیران صادر شده ازخارج بستگی دارد. از همین جهت هر وطنپرست باید سهم خویش رادرامر دفاع از وطن ادانماید. همهٔ آنانیکه میتوانند و بر اساس‌قانون مکلفیت عسکری باید به صفوف اردو، خارندوی و خاد بپیوندند، بایست بدون اجبار و بدون فوت وقت این امر مقدس‌راانجام دهند. حزب و حکومت همهٔ ارگان های حزبی و دولتی را درمحلات موظف می سازد که افرادتحت جلب را که نیروی تکمیلی دفاع ازوطن اند، مورد احترام و توجه قرار دهند.

همهٔ آنانیکه صلح، کاشانه ووطن را دوست میدارند، باید به صفوف سپاهیان و مدافعین‌انقلاب‌وگروه های دفاع خودی درمحلات بپیوندند. کمك و همکاری به‌آنانیکه علیه ضد انقلاب می رزمند وظیفهٔ وطنپرستانهٔ هر فرد، زن، دختر و پسر، همهٔ آنانیکه صلح وآرامش، نظم و زندگی عادی رادرسرزمین بلا کشیدهٔ شان‌میخواهند، میباشد.

تقویت قوای مسلح و دفاع‌خودی‌مابرای قطع مداخله در امور داخلی ما از خارج، برای دفاع‌از استقلال‌وحاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور و برای محو فعالیت باندهای‌تروریستی و مرتد، ضرور است. این تدابیر همسایگان ما را تهدیدنمی کند و مانع جستجو و دریافت راه های قابل قبول برای هر دوجانب، در زمینهٔ رفع تشنج‌موجود، نیست.

آنانیکه از گذشته نادم اند باتیغ کیفر انقلاب روبرو نخواهندشد وآنانیکه راه خود را عوض کرده‌اند مورد ضرب قرار نمی گیرند. هدف ج.د.ا. قطع جنگ اعلام ناشده‌علیه افغانستان و ایجاد شرایط برای صلح ملی وگفتگواست. صلح‌وطنی و کار مشترك و دوستانهٔ بعدی بنام آزادی، ترقی‌و خوش‌بختی خلق وطن، وطن واحد ما افغانستان انقلابی! اینست هدف ما!

خلق‌ـنجیب افغانستان!

ـمرگ بر آنانیکه در وغ‌واتهام، اسارت و حقارت، مرگ وخون رابه سر حدات مقدس وطن مان‌می آورند!

ـافتخار و درود جاودان به‌فرزندان وفادار حزب و مردم که زندگی خودرا برای امر مقدس‌انقلاب‌ثور و سرفرازی وطن نثارکرده اند!

ـزنده باد صلح وطنی!

ـزنده باد وطن مشترك ما‌افغانستان!

تحکیم وحدت، یکپارچگی ونیرومندی ح.د.خ.ا. وثیقهٔ همهٔ پیروزی‌های ماست

از موجودیت ح.د.خ.ا. بیست‌سال میگذرد. این مدت، در مقیاس تاریخ مدت کوتاهیست. اما طی‌این مدت حزب به پیروزی های بزرگی نایل آمده است. انقلاب‌رابه پیروزی رسانیده، شش‌سال وچند ماه است که قدرت رابدست‌داشته و مسوولیت عظیمی را در برابرخلق وطن‌وتاریخ به‌عهده دارد. این زمان در مقیاس تاثیر براوضاع وسرنوشت کشور و نظر به‌اهمیت‌خود، از همهٔ مراحل دیگر تاریخ افغانستان برتری دارد.

چه عواملی انجام موفقانه این‌رسالت پر مسوولیت تاریخی را بوسیلهٔ ح.د.خ.ا. میسر می سازد؟

اولا: حزب روز تا روز با تیوری پیشرو انقلابی مجهز و مجهز تر میگردد و جنبش اجتماعی را غیرآگاهانه رهبری نمی کند. این حزب و تنها این حزب میداند که‌چگونه به مرز های پیشبینی شده رسید و چگونه به اهداف مطروحه‌دست یافت. آموزش که حزب ما از آن پیروی مینماید، پر توان‌است، زیرا درست و حقیقت است. خلل ناپذیری بنیاد های تیوریك حزب‌وتصامیم عملی ناشی از آن در همین امر نهفته است.

ثانیاً: ح.د.خ.ا. حزب طبقهٔ‌کارگر و همهٔ زحمتکشان کشور است. این بدان معناست که حزب‌ما منافع بنیادی عمده ترین طبقات واقشار پیشرو جامعه و تمام خلق‌ومصالح وطن رابیان نموده، از آن دفاع کرده، آنرا تحقق می‌بخشد و مبنای فعالیت آنرا اصل مبارزهٔ طبقاتی تشکیل میدهد.

حزب بر این طبقات و اقشاراتکاء داشته وپیوسته با نمایندگان آنها تکمیل شده و توده های‌زحمتکش را برای حل وظایف انقلاب ملی و دموکراتیك در جهت‌هدف غایی سازمان میدهد.

(ص ۳)

سند کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

دربارهٔ بیستمین سالگرد ح.د.خ.ا.

بقیه ص ۲

ثالثاً : ح.د.خ.ا. یک نیروی اجتماعی ، سیاسی متشکل است . این حزب چنان شکلی از سازمان طبقاتی میباشد که در آن دانش و تجربهٔ نسلهای پیشین انقلابیون وجنبش معاصر انقلابی تجسم یافته است . نیروی این سازمان در وحدت اعضای آنست ، وحدت اندیشه ونظر ، وحدت اراده و عمل ، وحدت ایدیولوژیک و سیاسی ، وحدت سازمانی و رهبری . چنین است معنای وحدت حزبی ! این وحدت برپایهٔ رعایت بلا انحراف احکام اساسنامهٔ حزبی و دسپلین عالی توسط کلیه اعضای حزب وسازمانهای حزبی استوار است .

رفیق ببرک کارمل گفته اند :«وحدت آهنین فقط میتواند ازطریق دسپلین آهنین تأمین گردد ، طوردیگر نمیتواند باشد و حزب حاکم انقلابی به گونهٔ دیگر نمیتواند پیروزی های خودرا حفظ کند ، از انقلاب دفاع نماید و قدرت حاکمه را در دست خود نگهدارد وبخصوص نمیتواند به ساختمان جامعهٔ نوین نایل آید .»

راه حزب ما به سوی دستیابی به وحدت ارگانیک اعضای آن ، راهیست طولانی ، اغلب ناهموار وهنوز هم به سر نرسیده . تجربهٔ ما می آموزد : حزب آنگاه پیروز گردید و میگردد که واحد است ، آنگاه دچار شکست میشود که متفرق است . امروز ما باید درس های تجارب مثبت اندوخته شده وتجارب تلخ را بیاموزیم وهرچه زودتر وموفقانه تر آن بخش از راه را که هنوز تا دستیابی به وحدت ارگانیک صفوف حزبی در پیش رو داریم ، بپیماییم . این امر هم برای حزب وهم برای جامعه ایکه ح.د.خ.ا. آنرا رهبری میکند ، حتمیست . نباید اجازه داد که هراس ، و اهمه وبلند پروازی های دیروزین ، فضای حزبی را امروز مسموم ساخته و به توانایی حزب در جهت ایفای شایسته و کامل نقش رهبری کنندهٔ خویش لطمه وارد کند . نیروی حزب در وحدت ویکپارچگی صفوف آنست. رعایت قطعنامه وحدت مصوب پلینوم چهاردهم کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ.ا. وظیفهٔ انقلابی هر عضو شایسته حزب است .

حزب از اعتماد و پشتیبانی توده ها بر خوردار است . در اوضاع واحوال دشوار بطور پایدار و مداوم با نیروی بهترین فرزندان خلق ما رشد می یابد و علی الرغم همهٔ آزمونها و مشکلات و باوجود قربانی هاییکه در جریان مبارزه علیه ضد انقلاب متحمل گردیده است ، طی شش سال و چند ماه بعد ازانقلاب ، تعداد اعضای آن از پانزده هزار به یکصدو بیست هزار عضو اصلی و آزمایشی افزایش یافته است و شکی نیست که به پیشواز بیستمین سالگرد خود ، صفوف خودرا ازدیاد بیشتر بخشیده و ازلحاظ کیفی نیز تقویت خواهد نمود .

ح.د.خ.ا. در آستانهٔ بیستمین سالگرد خویش ، وظایف مشخصی را چه در عرصهٔ ساختمان حزبی وچه در عرصهٔ ارتقای هر چه بیشتر نقش اجتماعی ـ سیاسی آن در برابر خود قرار میدهد و پیش ازهمه:

ـ بهبود ترکیب کیفی حزب بحساب پذیرش کارگران ، دهقانان زحمتکش ، سربازان ، خردضابطان وسایر نمایندگان پیشرو زحمتکشان همزمان با رشد هر چه بیشتر کمی آن و تقویت کار در جهت تربیت ایدیولوژیک ـ سیاسی اعضای حزب .

ـ توسعه و گسترش شبکه های سازمان های اولیهٔ حزبی و قبل ازهمه درقریه ها نظر به محل زیست وهمچنان در جزو تامهای اردو ، خارندوی و خاد .

ـ ارتقای قابلیت رزمی سازمانهای حزبی و کلیه اعضای حزب ، وحدت و یکپارچگی صفوف حزب، انضباط و مسوولیت اعضای حزب .

ـ لنین کبیر توصیه مینمود :«نقش واهمیت اعضای حزب بالاتر، بالاتر و بالا تر برده شود ». این توصیه برای حزب ما نیز اهمیت بسزایی دارد .

ـ تشدید فعالیت کمیته های حزبی در همه سطوح و مبدل ساختن آنها به مراکز واقعی رهبری سیاسی ، به سازماندهندگان حقیقی اجرای فیصله های حزب وحکومت در محلات .

ـ بهبود کار با کادر ها ، در این جهت که افراد از لحاظ سیاسی آگاه ، دارای اخلاق عالی ، باصلاحیت و مبتکر که توانایی سازماندهی و احساس نو آوری را داشته باشند ، در همه بخش های فعالیت قرار گیرند .

حزب خاطر نشان میسازد :ضرورت خاص امروزین ، عمل و کردار است ، نه تنها هر از طریق کلمات و گفتار پر طمطراق . کلیه فعالیت های خودرا باید بسطح نوین ارتقاء بخشیم وانقلاب ودگرگونی های ملی ـ دموکراتیک رابه صورت تعرضی و مداوم به پیش سوق دهیم . حزب دموکراتیک خلق افغانستان عزم راسخ داردکه به این اهداف نایل آید و به پیروزی نزدیک و کامل باورمند است .

ح.د.خ.ا. حزب صلح و همبستگی انترناسیونالیستی است

ح.د.خ.ا. حزب وطنپرست ،بیانگر منافع ملی و انترناسیونالیست صدیق و مدافع استوارو پیگیر اصول آزمون شدهٔ همزیستی مسالمت آمیز و همبستگی انترناسیونالیستی میباشد . حزب ما وارث و بیانگر سنن صلحجویانهٔ خلق ماست . پس از دفع تجاوز انگلیس در سال ۱۹۱۹ کشور ما باهیچ کشور دیگری نه جنگیده است .

چنین وضع از لحاظ تاریخی مساعد ، تا حدود زیادی ازبرکت موجودیت دوست نزدیک ما اتحادشوروی کبیر بمیان آمد . اتحاد شوروی فشار اساسی مبارزه علیه متجاوز ترین نیروی قرن بیستم یعنی فاشیزم جرمنی را که تلاش داشت منطقهٔ مارا نیز تحت تسلط خویش در آورد ،متقبل گردید وسهم قاطع خویش را در شکست آن ادا نمود . چهلمین سالگرد این پیروزی جشن کلیه بشریت مترقی وجشن مانیز میباشد .

انقلاب ثور بخش جدایی ناپذیر پروسهٔ انقلابی جهان و منطقه است. انقلاب مانیز همانند کلیه انقلابات مردمی بخاطر دستیابی به اهداف خلاقانهٔ خویش ، به شرایط مساعدبین المللی ضرورت دارد : ما به صلح پایدار در منطقه و سراسرجهان نیاز داریم . با در نظر داشت این که امر صلح تقسیم ناپذیر است، مابرای تحکیم و دفاع از آن همه امکانات رابکاربسته و می بندیم .

افغانستان از ابتکارات مثبت صلح اتحاد شوروی که از جانب دوست صدیق ما رفیق ک.ا. چرنینکو منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست و صدر هیات رئیسهٔ شورای عالی اتحاد شوروی و سایر رهبران کشور های سوسیالیستی ارائه گردیده و در بر گیرندهٔ عادی شدن مناسبات بین المللی بر اساس معیار های همزیستی مسالمت آمیز ، اندیشهٔ سالم وارادهٔ نیک میباشند ، پشتیبانی قاطع مینماید .

ح.د.خ.ا. وحکومت ج.د.ا. نگرانی عمیق خودرا نسبت به اعمال تجاوز کارانهٔ نیرو های امپریالیستی ،در رأس محافل حاکمهٔ ایالات متحدهٔ امریکا ، مبنی بر تشدید تشنج در جهان ، مسابقات تسلیحات هستوی و راکت ها ، استفادهٔ وسیع از تروریزم دولتی بین المللی، سیاست تجاوز و مداخله در امور داخلی سایر کشور ها و مقابله علیه جنبش های آزادیبخش ملی ابراز میدارند .

ما قاطعانه خواستار قطع مداخلهٔ نظامی ـ سیاسی امپریالیستی و افزایش موجودیت نظامی ایالات متحدهٔ امریکا و سایر شرکای آن در منطقهٔ بحر هند ، خلیج وهمچنان در منطقهٔ خود میباشیم . ح.د.خ.ا. وحکومت ج.د.ا. همه ابتکارات خویش را که در زمینهٔ حل مسایل مورد بحث و حل ناشده در مناسبات با پاکستان و ایران قبلا ارائه داشته اند ، موردتأکید قرارمیدهند. تا جاییکه به جانب افغانستان تعلق میگیرد ، هیچ مساله یی وجود ندارد که از طریق عادلانه ودموکراتیک حل نگردد .

همانند گذشته با تأکید خاطرنشان می سازیم : ما عقیده داریم که مسألهٔ غیر قابل حل درین مناسبات وجود ندارد . اگر این ابتکارات امروز نمیتواند پاسخ مثبت یابد مایکجا با دوستان خویش با شکیبایی و ایستادگی روی رسیدن به چنین فیصله یی برای فرداکار خواهیم کرد .

ما به ثبات و استحکام وضع افغانستان در صحنهٔ بین المللی اطمینان داریم . ما به پایداری خلل ناپذیر مناسبات انترناسیونالیستی بین افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، سایر کشور های سوسیالیستی ورژیمها، احزاب و نهضت های مترقی سراسر جهان باور داریم . ج.د.ا.را اکنون بیش از هشتاد دولت برسمیت می شناسند و ح.د.خ.ا. بابیش از پنجاه و دو حزب انقلابی، جنبش ها و سازمان های مترقی مناسبات دارد .

مناسبات همسایگی نیک ،دوستانه و برادرانه با اتحاد شوروی بزرگ ، کمک های بی شایبهٔ اتحاد شوروی در امر ساختمان جامعهٔ نوین در افغانستان که براصول صلح ، آزادی واستقلال ملی، عدالت اجتماعی ، دموکراسی و ترقی مبتنی میباشد ، برای ح.د.خ.ا ، مردم و حکومت ج.د.ا. از اهمیت خاصی بر خوردار است . این کمک ها نمونهٔ مناسبات طراز نوینی است که خصوصاً پس از پیروزی انقلاب ثور ، مشخصهٔ مناسبات بین کشور های مارا تشکیل میدهد. تدابیر لازمیکه از جانب کشورهای مابخاطر دفاع از انقلاب ، آزادی واستقلال وحاکمیت ملی کشور مادر برابر مداخلات امپریالیزم وارتجاع منطقه اتخاذ گردیده است ، باردیگر و باقوت تمام ، وفاداری اتحاد شوروی رابه وظایف انترناسیونالیستی و سنن عالی و نجیبانهٔ دوستی افغان ـ شوروی نشان داد .

ح.د.خ.ا.د.ا. و مردم افغانستان باتکامل بخشیدن و دفاع ازانقلاب ثور ، بنوبهٔ خود سهم انترناسیونالیستی خویش را در تحکیم این دوستی بی مانند ، در امر شریفانهٔ مبارزهٔ خلقها بخاطر آزادی،ترقی ملی و اجتماعی و صلح در سراسر جهان ادا مینمایند .

استقلال کشور ما وخوشبختی خلق مابطور گسست ناپذیر وبرای همیش با دوستی افغان ـ شوروی پیوند دارد . ح.د.خ.ا . و همه وطنپرستان افغانستان در آینده نیز به این دوستی و فادار بوده و بخاطر رشد و تحکیم هرچه بیشتر آن همه امکانات را بخرچ خواهند داد .

* * *

ح.د.خ.ا. در اوضاع دشوارمبارزه بخاطر تحقق اهداف ووظایف بنیادی انقلاب ثور به استقبال بیستمین سالگرد خویش میرود . سالگرد حزب باید به محرک نیرومندی برای تحکیم همه جانبهٔ صفوف حزب ، جلب توده های وسیع مردم بسوی امر نجیبانهٔ آن و برای رسیدن به پیروزی کامل بر نیرو های سیاه ضد انقلاب مبدل گردد .

رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ.ا. و رئیس شورای انقلابی ج.د.ا. متذکر شده اند : هر سازمان حزبی ،هر عضو حزب باید درین روز ها کار انجام شده را تحلیل انتقادی نموده ، بخاطر استقبال شایسته ازسالگرد ح.د.خ.ا. تعهدات مشخص بسپارند وبدور کمیتهٔ مرکزی وبیروی سیاسی کمیتهٔ مرکزی حزب د.خ.ا. بصورت هر چه فشرده تر متحد گردند .

زنده باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، حزب طبقهٔ کارگر وتمام زحمتکشان کشور ، این پیشآهنگ سیاسی جامعهٔ ما !

زنده باد انقلاب ثور که راه آیندهٔ تابناک را بروی مردم ما گشود !

زنده باد دوستی خلل ناپذیر افغان ـ شوروی !

پیروزی از آن خلق افغانستان است !

زنده باد حزب ، انقلاب ، خلق ووطن مان افغانستان !

کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ.ا.

اخبار خارجی ، واقعیت ها ، حوادث

بخاطر صلح عادلانه و پایدار در شرق میانه

سیاست خارجی اتحاد شوروی مورد حمایت روز افزون مردم عرب قرارگرفته است زیرا این سیاست آرمان ومنافع ملل آنها را بر آورده ساخته و هدف این سیاست پشتیبانی از مبارزات ضد امپریالیستی ملل و ایجاد صلح عادلانه و پایدار در شرقمیانه میباشد .

این مطلب در یک مقاله تحت عنوان «راه بیرون رفت از معضله شرق میانه کدام است؟» درشماره پریروزی پراودانوشته شده است .

مقاله اضافه مینماید که تنها در ماه جاری مسکو میزبان روسای جمهوری سوریه ، جمهوری دموکراتیک مردم یمن و جمهوری عربی یمن و وزیر خارجه عراق بوده است در مذاکرات اتحادشوروی والجزایر رهبران عربی در توسعه همکاری با اتحاد شوروی علاقمندی نشان دادند و پلان اتحاد شوروی را بخاطر رفع بحران شرقمیانه به شمول تدویر یک کنفرانس بین المللی با سهمگیری تمام جوانب ذیدخل بشمول سازمان رهایی بخش فلسطین و اسرائیل مورد تایید قرار دادند .

(ب)

اهدای نشان به رفیق گرومیکو

رفیق نگوین کوتاچ وزیر خارجه ویتنام از طرف شورای دولتی آنکشور دیروز نشان هوچی من را به رفیق اندری گرومیکو عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونست، معاون اول شورای وزیران ووزیر خارجه اتحاد شوروی در قصر کریملین اهدا نمود .

(ب)

اعمار پایگاه نظامی امریکا در پاکستان

منابع خبر رسانی بین المللی بحواله آژانس خبر رسانی پرس تراست اف اندیا اظهار داشته است که دو تن از رهبران احزاب مخالف رژیم نظامی پاکستان که در تبعید بسر میبرند اظهار داشته اند که رژیم نظامی پاکستان این زمینه را مساعد ساخته است که ایالات متحده امریکا بتواند به زودترین وقت قوای خود را در خاک پاکستان افزایش بدهد .

در گزارش آمده است که برای این مقصد در سند و پشاور پاکستان تسهیلاتی فراهم شده است .

صادق علی وزیر اسبق پاکستان ویکی از رهبران پیپلز پارتی پاکستان طی کنفرانس مطبوعاتی درلندن اظهار داشته است که این مناطق توسط ایالات متحده امریکا کنترول گردیده است.

عطاء اله مینگل رهبریکی از احزاب مخالف رژیم نظامی پاکستان و وزیر اعلی سابق بلوچستان گفته است که پس از به تفاهم رسیدن جنرال ضیاء الحق وواشنگتن پایگاه هایی بمقصد پیاده شدن قوای امریکا ایجادشده است. وی اظهار داشته است که این قوا حتی بعضی تمرینات نظامی را قبلا در پاکستان اجرا کرده اند .

(ب)

مسافرت به کیوبا

یک هیات اتحاد شوروی تحت ریاست رفیق نیکولای تیخونوف عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونست ورئیس شورای وزیران آنکشور جهت اشتراک در سی و نهمین اجلاس شورای تعاون متقابل اقتصادی وارد هاوانا مرکز کیوبا شده است .

هیات مذکور هنگام ورود به میدان هوایی هاوانا از طرف رفیق فیدل کاسترو منشی اول کمیته مرکزی حزب کمونست ،رئیس شورای دولتی و رئیس شورای وزیران کیوبا وعدهٔ از رجال برجسته دیگر حزبی و دولتی و همچنان نمایندگان سازمان های عامه آنکشور استقبال گردیده است .

(ب)

از تیلی تایپ

مسکو

هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی تصمیم گرفته تا دومین جلسه یازدهمین دوره شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را به تاریخ ۲۷ نومبر درمسکو دایر نماید .

انگلستان

بگزارش ای.دی.ان ازلندن فعالیت صلح علیه توسعه مسابقات تسلیحاتی ایالات متحده امریکا توسط سازمان مبارزه برای خلع سلاح ذروی در شهر بورووان فرنس در شمال لندن روز شنبه گذشته سازمان داده شده است .

مصر

قرار است تمرینات مشترک نظامی ایالات متحده امریکا و مصر بتاریخ پانزدهم الی هفدهم ماه جاری به اشتراک بحریه های نمبر ۱۷ ونمبر شش امریکا بشمول کشتی های طیاره بردار و مخرب در بحیره مدیترانه صورت گیرد. درین تمرینات از جانب مصر تقریبا تمام کشتی های جنگی وطیارات ودسته های دافع هوای قوای هوایی آنکشوراشتراک خواهندورزید.

بنگله دیش

حکومت نظامی بنگله دیش پریروز انتخابات پارلمانی را در آنکشور که قرار بود به تاریخ هفدهم ماه عقرب برگزار گردد به تعویق انداخت.

در عین حال حکومت نظامی بنگله دیش تهدید نموده که هر گاه مخالفین حکومت در انتخابات پارلمانی که درآینده برگزار خواهد شد شرکت نورزند حکومت انتخابات پارلمانی را ملغی قرار خواهد داد .

(ب)

تدویر جلسات فعالین حزبی

جلسه فعالین حزبی ریاست عمومی تعمیرات وزارت دفاع ج.د.ا در مورد تطبیق وتحقق مصوبات پلینوم چهاردهم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا اخیراً در قرار گاه آن ریاست دایر گردید.

درین جلسه گزارش اساسی توسط آمر سیاسی ریاست تعمیرات ارایه شده ووظایف قوماندانان، ارگانهای سیاسی، کمیته ها و سازمانهای حزبی در قبال مصوبات و پلینوم چاردهم کمیته مرکزی حزب، مشخص ومعین گردید.

بعداً شش تن پیرامون بیانیه اساسی ابراز نظر کردند. کار جلسه را رفیق محمد اسماعیل دانش عضو علی البدل بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ووزیر معادن وصنایع ارزیابی نموده سربازان، افسران وقوماندانان آن قرارگاه رامتوجه وظایف سنگین وخطیر شان ساخت.

جلسه با صدور قطعنامه پایان یافت.

همچنان طبق یك خبر دیگر جلسه فعالین حزبی قطعات وجزو تامهای هوایی گارنیزیون بگرام بخاطر توضیح وتشریح مصوبات پلینوم چاردهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان پریروز در تالار کنفرانس های آن قواء دایر شد.

در آغاز جلسه در حالیکه رفیق برید جنرال نظر محمد عضو کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ولوی درستیز قوای مسلح حاضر بود گزارش اساسی توسط آمر سیاسی آن گارنیزیون قرائت شد.

سپس هفت تن از شاملان جلسه در ارتباط به گزارش اساسی بیانیه های تائیدی خود را قرائت کردند.

کار جلسه را رفیق برید جنرال نظر محمد ارزیابی نموده فعالین حزبی را درامر تطبیق مصوبات پلینوم چاردهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان بیش از پیش متوجه ساخت.

جلسه با صدور قطعنامه از طرف شاملان آن پایان یافت.

(ب)

موج نوین کار به شیوهٔ انقلابی در همهٔ فابریکه ها و کار خانه ها که با مسابقات کار، کار ضربتی، کار بیش از پلان وفعالیت های دستجمعی وداوطلبانه مشخص میشود، باحادثهٔ مهم در زندگی سیاسی کشور ما یعنی بیستمین سال تاسیس حزب عمیقاً مربوط است. از همینجاست که بیستمین سالگرد بنیاد گذاری حزب به محرك نیرو مندی در عرصهٔ فعالیت تولیدی وکار سازنده به سود زحمتکشان مبدل می گردد.

عکس: گروهی از کارگران خدمات تخنیکی وزارت صحت عامه

عکاسی ح.ا.ث

در کارخانه و کشتزار در نخستین صف

در جمع کارگرانی که در جلسه سراسری پیشروان کار به اخذ مدال نایل آمده اند، یکی هم محمد نبی کارگر بود. خودش میگوید، «در همین چندسال انقلاب در هر سال حدود ده ماشین غیر قابل ترمیم را با ابتکار خود و با پرزه های کهنه قابل استفاده ساخته ام.

بااستفاده از مواد داغمه والاضافه برش مصارفی را که باید بیشتر از شصت تا هفتادهزار افغانی می بود، به پانزده هزار افغانی پائین آوردیم.»

وی در ادامه صحبت اش گفت:

«اما این بار اول نیست که تقدیر میشوم تا حال چند بار کارم مورد ستایش قرار گرفته حتی برای یکسال به کشور دوست چکوسلواکیا رفتم ودر رشته ماشین موتر های (تاترا) درس خواندم.»

محمد نبی از جمله کارگرانی است که در دفاع مسلحانه از دستاورد های انقلاب نیز سهم گرفته است.

تاپای جان با انقلاب

الر یکی از قریه های کوچك مربوط ولسوالی قره باغ است که اهالی آن ازبرکت کاروپیکار گروه مدافعین انقلاب توانسته اندنظم زندگی آرام را درقریه بصورت کامل حفظ نمایند ازیکی از دهاقین پر سیدم که چگونه توانستند این امر را تامین کنند.

عبدالقدیر دهقان و عضو گروه مدافعین انقلاب قریه به این سوال پاسخ گفت: «مردم قریه ما غریب کار وزحمتکش استن، از انقلاب خود دفاع میکنن. زیرا انقلاب برای آسودگی وآرامی آنها به پیروزی رسیده اس انقلاب بودکه زمین به دهقانان داد و غلامی وبردگی ره که کمرماره خم ساخته بودازمیان برد.

ازهمی خاطر مردم قریه ما آرامی خوده دهوحدت خوددر راه انقلاب یافتن و بخاطر انقلاب مسلح شدن و امنیت کامل رادرقریه خود تامین نمودن.

خودم دو سال قبل عضویت حزب پرافتخار خود یعنی حزب دموکراتیك خلق افغانستان راحاصل نمودم وازیك سال به این طرف در گروه مدافعین قریه نیز تنظیم شده ام تا در تامین امنیت قریه بصورت منظم ومتواتر حصه بگیرم.»

قدیر با احساس یك انسان متعهد ومصمم صحبت میکرد. مطمین وشمرده واز ته دل می گفت: «افتخار دارم واسع پسرم که عضو حزب بودبخاطر ازبین بردن دونفر اشرار وبدست آوردن سلاح های آنها جام شنهادت نوشید وپیروزمندانه آنها را سرکوب و سلاح های آنها بدست رفقا یش افتاد راه پسرم راکه بخاطر آرامی مردم خوده وقف انقلاب کردبرای همیشه تعقیب خواهم نمود خودم وشش برادر واسع که هم اکنون مسلح درخدمت انقلاب هستن همیشه برای چنین قربانی بزرگ حاضرهستیم.»

وقتی این جملات را می گفت، دستانش می لرزید. او حق داشت، عزیز ترین موجود خودرا پسر دوست داشتنی خودرا ازدست داده است اما با چه اعتقاد واراده بزرگی، هنوز برای قربانی اماده است، او ازهمه چیز با صمیمیت سخن میگوید بعدروبطرف من میگوید:

«حالااز برکت انقلاب درسن پنجاه وپنج سالگی خواندن ونوشتن را یاد گرفتیم.»

آنچه انقلاب به ما داده است آینده فرزندان ماره ضمانت میکندمابه خاطر آینده سعادتمند سلاح گرفته ایم و تا پیروزی نهایی تاپای جان از آن دفاع میکنیم.»

نقیب

برای تجلیل بهتر

رضا داد از جمله کارگران موسسه برق فاریاب است او وظایفش را پیگیرانه با عشق و علاقه بسر میرسانند.

برای آشنایی بیشتر با اوبه آن موسسه رفته و خواهش کردم تا در مورد آمادگی هایش برای تجلیل بیستمین سالگرد حزب با هم صحبت کنیم.

او گفت: من با دیگر کارگران موسسه برق فاریاب تصمیم گرفتیم که به پیشواز بیستمین سالگرد تاسیس ح.د.خ.ا، کار های خارج از پلان را به نفع موسسه خویش انجام بدهیم. باکار های دسته جمعی و داوطلبانه ما وسایل مورد نیاز موسسه ترمیم شده و همچنان به ادامه کار های ضربتی و ابتکاری خود یك پایه واتر پمپ کهنه و غیر فعال را در مدت بیست روز دوباره احیا نموده و بکار انداختیم که در ترمیم آن من نیز سهم داشتم از این مدرك در حدود یکصد هزار افغانی صرفه جویی شده و بدولت انقلابی ما مفاد عاید گردیده است کار ضربتی ما ادامه دارد، تصمیم داریم که یك پایه ماشین برق سی و شش کیلو ولت امپیر را که از چندین سال به این طرف غیر فعال است دوباره ترمیم وبکار اندازیم که درآنصورت در حدود نه صد هزار افغانی بدولت انقلابی ما عاید خواهد شد.

کوهکن

تهیه آب برای کوچی ها

قرار داد حفر (۴۵) حلقه چاه عمیق و ۱۱۵ حلقه چاه عادی بمنظور تهیه آب در علفچر ها جهت تقویه مالداری وبهتر شدن زندگی کوچی ها در ج.د.ا قبل از ظهر دیروز بین جمهوری دموکراتیك افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی در کابل عقد گردید.

با ورود وسایط ووسایل متذکره وتطبیق پلان فوق الذکر چاه های عمیق وعادی در ساحات جنوب و جنوب ـ غرب کشور از طرف ریاست عمومی انستیتوت و پروژه سازی حفر و در نتیجه درساحه ۸ر۱ ملیون هکتار اراضی آب برای علفچر ها ومواشی تهیه میگردد.

اشتراك در جلسهٔ قرارگاه شهر حیرتان

رفیق نیاز محمد مومند منشی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا دیروز در جلسه اعضای قرارگاه شهر حیرتان که درسالون ریاست آن شهر به اشتراك منشی کمیته حزبی بلغ دایر گردید اشتراك ورزید.

طی این جلسه ابتداء راپوری مبنی برامور ساختمانی انتقالات، تخلیه وبار گیری در بندر شهر حیرتان طی یکسال توسط رئیس اداره بندر حیرتان ارائه گردید.

بعداً رفیق نیاز محمدمومند کار جلسه را ارزیابی نموده واعضای قرار گاه مشترك را به بهبود امور مطابق خواستهای کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ورهنمود های ارزشمند رفیق ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ورئیس شورای انقلابی ج.د.ا متوجه ساخت.

(ب)

باز دید از جریان کار ترمیم مسجد جامع خوست

رفیق میر صاحب کاروال منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان پریروز از جریان کار ترمیم و رنگمالی مسجد جامع شهر خوست لوی ولسوالی خوست ولایت پکتیا دیدن کرد.

درین موقع که تعدادزیادی از علماء، روحانیون و بزرگان شهر خوست نیز حاضر بودند. رفیق میر صاحب کاروال در رابطه به سیاست حزب ودولت واحترام به دین مقدس اسلام به صورت مفصل صحبت کرد.

(ب)

ابراز آمادگی برای تحقق آرمانهای حزب و دولت

سران ونمایندگان قوم اسحق زی ومردم زحمتکش ولسوالی گلران ولایت هرات دریك جرگه وسیع در مقر زون شمال غرب به دولت انقلابی شان اطمینان دادند که با سر سپردگی در راه تحقق ارمانهای حزب ودولت انقلابی شان در تطبیق قانونیت انقلابی در قراء وقصبات مربوط شان آماده هر گونه سهمگیری وجانبازی میباشند.

در آغاز برید جنرال عبدالقادر میا خیل آمر زون شمال غرب در رابطه به مصوبات پلینوم چاردهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان وقانون ارگان های محلی قدرت و اداره دولتی بصورت مفصل وهمه جانبه صحبت کرده و از حاضرین جرگه دعوت نمودتا با کار وپیکار انقلابی در تحکیم حاکمیت دولتی وتطبیق قانون ارگان های محلی قدرت و اداره دولتی سهم وطنپرستانه وانقلابی بگیرند.

در مقابل حاضرین جرگه با ابراز مسرت وشادمانی از طرح قوانین دولت ج.د.ا به نفع توده های ملیونی کشورواعمار جامعه نوین در افغانستان انقلابی آمادگی عام وتام شانرا در تحقق ارمان های حزب ودولت انقلابی شان و تطبیق قوانین مترقی دولت انقلابی شان وعده دادند.

(ب)

از ولایات

● پکتیا

فعالین حزبی مرکز و ولسوالی های ولایت پکتیا طی جلسه در تالار سینمای گردیز آمادگی خود را در تطبیق مصوبات پلینوم چاردهم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا اظهار کردند.

درکار جلسه رفیق سید طاهر شاه پیکارگر معاون شعبه تشکیلات کمیته مرکزی ح.د.خ.ا وتورن جنرال غلام نبی آمر زون جنوب شرق اشتراك ورزیده بودند.

در آغاز گزارش اساسی توسط منشی کمیته حزبی ولایتی ولایت پکتیا در باره تحکیم حاکمیت قدرت دولتی واجراآت اعضای کمیته حزبی وسازمان های حزبی درتطبیق مصوبات پلینوم های کمیته مرکزی حزب ارائه شد.

بعداً شش تن از اشتراك کنندگان در باره گزارش اساسی صحبت نموده و هر نوع ایثار وفدا کاری را در تحقق مصوبات پلینوم چاردهم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا وعده دادند.

کارجلسه را رفیق سیدطاهر شاه پیکارگر ارزیابی نمود.

● فاریاب

در ادامه و تطبیق مرحله دوم اصلاحات دموکراتیك ارضی وتوزیع عادلانه آب سی نفر از دهقانان بی زمین وکم زمین ولسوالی اندخوی ولایت فاریاب پریروز طی مراسمی صاحب زمین شدند

درمراسم اسناد ملکیت زمین از طرف منشی کمیته حزبی ولایتی ولایت فاریاب برای دهقانان مستحق توزیع شد.

● جوزجان

از بیست وپنجمین سالگرد تاسیس انجمن دوستی وروابط فرهنگی افغان ـ شوروی اخیراً در سالون تفحص نفت وگازشبرغان طی مراسمی تجلیل بعمل آمد.

در مراسم منشی کمیته حزبی ولایتی ولایت جوز جان ودو نفر از متخصصین کشور دوست اتحادشوروی درپروژه تفحص نفت وگاز شبرغان در ارتباط روابط حسنه وبرادرانه بین ج.د.ا واتحاد جماهیرشوروی سوسیالستی بصورت مفصل صحبت کردند.

* * *

یك کورس سواد آموزی در سازمان اولیه جوانان گذر رحمت آباد ولسوالی سر پل ولایت جوز جان اخیراً طی مراسمی ایجاد گردید.

دراین کورس پانزده نفر شامل گردیده است.

● پروان

به پیشواز بیستمین سالگرد تاسیس حزب دموکراتیك خلق افغانستان کارگران وکارمندان فابریکه نساجی جبل السراج روز جمعه گذشته بصورت داوطلبانه ودستجمعی در امور تولیدی آن فابریکه کارنمودند.

دراینکار داوطلبانه ودستجمعی که از ۸صبح آغاز وتا ۱۲ ظهر دوام کرد هفتصدو هشتاد وپنج متر تکه تولید شده است.

● بامیان

هفتاد و هشت نفر از دکانداران شهر بامیان در سه کورس سواد آموزی اخیرا شرکت ورزیده وبا شوق تمام سواد می آموزند.

سه نفر ازمعلمین سوادآموزی شاگردان این کورسها را تدریس مینمایند.

(ب)

زیر نظر هیأت تحریر
مدیر مسؤول: صدیق کاوون

تیلفونها: سوچبورد: ۲۶۸۵۳ ـ ۲۶۸۵۴ اداری: ۲۶۹۴۱ شکایات وتوزیع ۲۶۸۵۹

صندوق پستی ۷۸۰ حساب بانکی ۱۰۱۸ر۹ قیمت یکشماره ۲، افغانی چاپ ویب آفسیت مطبعهٔ دولتی